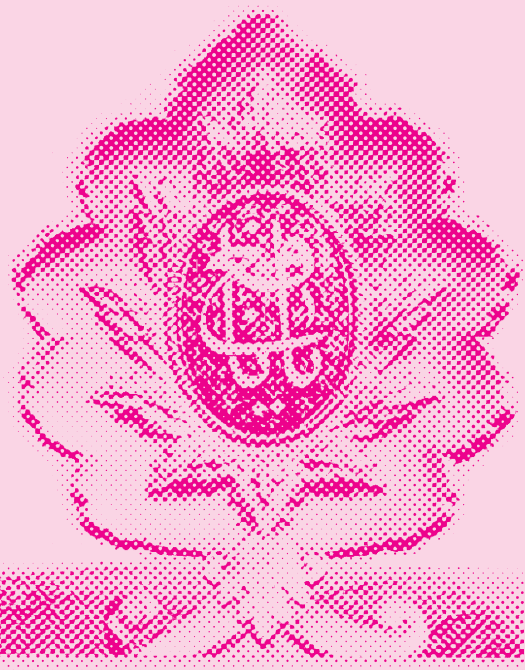


مدرسه سید در نجف نگاهی به مدرسه آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی

عبد الرحیم اباضی

مدرسه آیت الله سید محمد کاظم یزدی که در شهر نجف به نام «مدرسه سید» معروف است، به دستور مرجع بزرگ آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی، صاحب «عروة الوثقی» و توسط آستان قلی بیگ، وزیر سلطان عبدالاحد بخاری بنا شد. ساختن آن از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ قمری طول کشید. در همان ایام نصف مشاع دو حمام عمومی، یازده باب مغازه و یک مسافر خانه در بازار خلخالی نجف و هفت مغاره دیگر و یک کاروانسرا و چند کارگاه در بازار وسطی کوفه خریداری و جزو موقوفات این مدرسه شد که اغلب هزینه های آب و برق، تعمیرات و سایر مخارج متفرقه از عایدات همین موقوفات پرداخت می شد.^۱ در ابتدا متولی آن، آقا سید محمد یزدی، فرزند آیت الله یزدی

ساختن مدرسه از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ قمری طول کشید. در همان ایام نصف مشاع دو حمام عمومی، یازده باب مغازه و یک مسافر خانه در بازار خلخالی نجف و هفت مغاره دیگر و یک کاروانسرا و چند کارگاه در بازار وسطی کوفه خریداری و جزو موقوفات این مدرسه شد که اغلب هزینه های آب و برق، تعمیرات و سایر مخارج متفرقه از عایدات همین موقوفات پرداخت می شد.



بود. او کتابخانه بزرگی در طبقه دوم مدرسه ساخت و کتاب‌های منبع و خطی نفیسی را در آن گرد آورد. این کتابخانه، بزرگ‌ترین کتابخانه عمومی نجف تا اواخر دوره پهلوی به شمار می‌رفت و شامل کتاب‌های خطی بسیار و کتاب‌های چاپی در موضوعات گوناگون بود. در دوره حاکمیت صدام و اشغالگری آمریکایی‌ها در عراق، با این که بیشتر کتابخانه‌ها و موزه‌ها به غارت رفت، اما به خواست الهی این کتابخانه در امان ماند و همچنان از منابع مهم کتابخانه‌ای در این حوزه به‌شمار می‌رود.^۲

مدرسه سید در زمینی به مساحت ۷۵۰ متر مربع در محله «حویش» نجف واقع است. از نظر استحکام بنا و نقشه ساختمان و چگونگی چنیش حجره‌ها، یکی از کم‌نظیرترین مدارس حوزه نجف شمرده می‌شود. در دو طبقه و دارای هشتاد حجره است. سطح زمین مدرسه با سنگ سفید صیقل داده شده مفروش گشته و دیوارهایش با کاشی‌های لاجوردی آراسته می‌باشد.^۳ جلوی هر حجره، ایوان کوچکی به سبک معماری دوران صفوی ساخته شده. به‌علاوه برای هر حجره، سرداب‌هایی نیز به شکل جذاب در نظر گرفته شده که در خنکی فضای مدرسه و حجره‌ها مؤثر می‌باشد. به‌سبب معماری جذاب و ویژه‌گی‌های باستانی این مدرسه، هر روز زائران و سیاحان بسیاری از این مدرسه دیدن می‌کنند.^۴

مدرسه دارای دو درب اصلی و فرعی است. درب اصلی از شرق، به کوچه‌ای که بیت مرحوم آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی واقع است، باز می‌شود و این کوچه از سمت جنوب، به خیابان شارع الرسول منتهی می‌گردد. درب پشتی و فرعی آن هم به کوچه‌ای گشوده می‌شود که در سمت جنوب آن، منزل حضرت امام و حاج آقا مصطفی قرار دارد و در ضلع شمالی آن کتابخانه و مقبره علامه امینی است و به بازار معروف حویش راه دارد. این مدرسه سال‌ها در حوزه نجف محوریت داشت و محل اجتماع بزرگان و اساتید بود. آیت‌الله شیخ محمد فاضل

مدرسه سید در زمینی به مساحت ۷۵۰ متر مربع در محله «حویش» نجف واقع است. از نظر استحکام بنا و نقشه ساختمان و چگونگی چنیش حجره‌ها، یکی از کم‌نظیرترین مدارس حوزه نجف شمرده می‌شود. در دو طبقه و دارای هشتاد حجره است.

○ ○ ○

درب اصلی از شرق، به کوچه‌ای که بیت مرحوم آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی واقع است، باز می‌شود و این کوچه از سمت جنوب، به خیابان شارع الرسول منتهی می‌گردد. درب پشتی و فرعی آن هم به کوچه‌ای گشوده می‌شود که در سمت جنوب آن، منزل امام خمینی و حاج آقا مصطفی قرار دارد و در ضلع شمالی آن کتابخانه و مقبره علامه امینی است.

(رئیس حوزه علمیه فیضیه مازندران) که پدرش مرحوم آیت‌الله حاج شیخ نجفعلی استرآبادی نیز سال‌ها در مدرسه سید ساکن بود، در توصیف آن می‌گوید:

مرحوم پدرم بعد از ورود به نجف، در مدرسه آیت‌الله سید کاظم یزدی ساکن شد. در نجف مدارس متعددی وجود داشت... اما هیچ یک از مدارس نجف به موقعیت و شهرت مدرسه مرحوم سید کاظم یزدی صاحب «عروة الوثقی» نمی‌رسید. این مدرسه در دو طبقه احداث شده و زیبا و مرتب بود. تمام دیوارهایش کاشی کاری شده و تمییز بود. اطراف در اتاق‌ها حدیثی با خط زیبا نوشته شده بود. کاشی‌های آن‌جا را از ایران می‌آوردند. زمانی که هوا گرم بود، طلاب از سرداب استفاده می‌کردند. این مدرسه دارای دو سرداب بود: سرداب فوقانی و سرداب سن که زیرزمین بود. تمام سرداب‌ها هم کاشی کاری شده بود. البته چون روشنایی نداشت، تاریک بود، ولی پنجره‌هایش طوری تعبیه شده بود که مقداری روشنایی را وارد سرداب می‌کرد؛ ضمن این‌که مدرسه به حرم امیرمؤمنان(ع) نزدیک بود. این مدرسه چون بسیار زیبا و تمیز بود، گردشگران و سیاحتگران از عراق و کشورهای اروپایی می‌آمدند و از آن بازدید می‌کردند و عکس می‌گرفتند. در عین حال مدیر و متولی سخت‌گیری داشت و به هر کس حجره نمی‌داد.^۵

مدرسه سید در نجف همواره محل رفت و آمد و تجمع و بحث و گفت‌وگوی علمی طلاب و فضایی پرتلاش در حوزه علمیه این شهر، همچون مرحوم آقا ضیاء عراقی و آیت‌الله سید علی یتربی کاشانی بود. شخصیت‌های بزرگ و سرشناسی مانند حضرت امام خمینی، شهید مدنی و آیت‌الله بهجت به این مدرسه عنایت خاص و به آن رفت و آمد داشتند. حضرت امام خمینی(ره) همیشه از درب فرعی مدرسه که به منزل معظم‌له نزدیک بود، وارد مدرسه می‌شدند و لحظاتی را در خدمت فضلا بودند و سپس به منزل بازمی‌گشتند.^۶ علما و شخصیت‌های برجسته دیگری چون: مرحوم شیخ عباس قمی، صاحب «مفاتیح الجنان» و مرحوم آقابزرگ تهرانی، صاحب «الذریعة» در این مدرسه با هم در یک حجره اقامت داشتند و با هم به درس مرحوم میرزا حسین نوری می‌رفتند.^۷ در سال ۱۳۴۰ قمری مرحوم آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت (مفسر قرآن) با

این مدرسه چون بسیار زیبا و تمیز بود، گردشگران و سیاحتگران از عراق و کشورهای اروپایی می‌آمدند و از آن بازدید می‌کردند و عکس می‌گرفتند. در عین حال مدیر و متولی سخت‌گیری داشت و به هر کس حجره نمی‌داد.

مرحوم شیخ هادی مقدس به مدت ۸ ماه در یک حجره با هم در این مدرسه سکونت داشتند.^۹ آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی که در سال ۱۳۲۶ش به نجف اشرف هجرت کرد، به مدت دو سال در یکی از حجرات این مدرسه ساکن شد.^{۱۰}

مرحوم شیخ عباس قمی نیز در ایامی که به ترجمه کتاب «عروة الوثقی» مشغول بود، در یکی از حجره‌های نمناک و کوچک این مدرسه که در زیر پله‌ها قرار داشت، سکونت اختیار کرده بود و سرانجام ترجمه آن را در همین مدرسه به پایان رساند و به نام «غایة القصوی» به چاپ رساند.^{۱۱}

• تولیت و مدیریت مدرسه

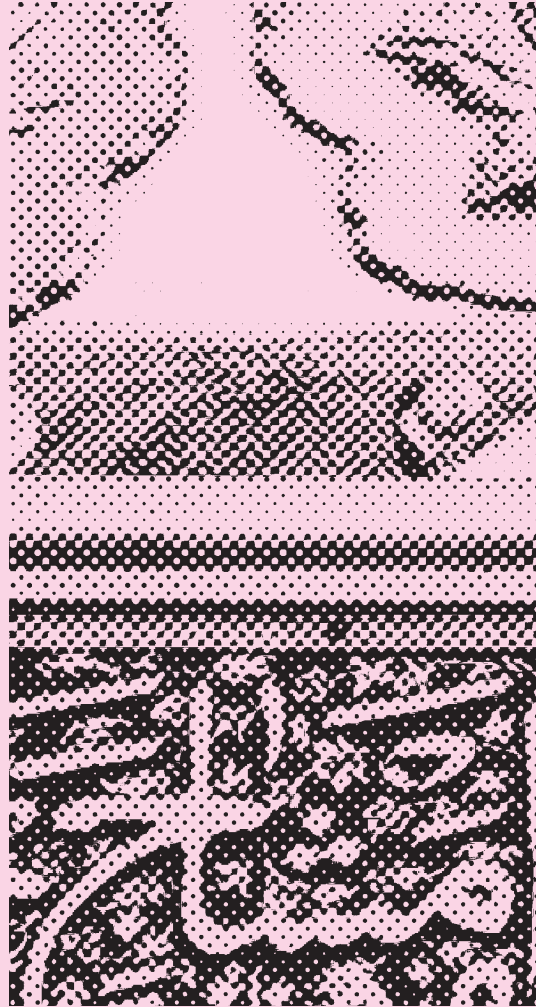
در طول یکصد سال گذشته، تولیت و مدیریت این مدرسه در دست فرزندان و نوادگان مرحوم آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی بوده است. مشهورترین آنها مرحوم حاج آقا باقر طباطبایی، نوه آیت‌الله یزدی می‌باشد که در میان علما و فضلا به سخت‌گیری و رعایت دقیق مقررات معروف بوده است. آقای حاج شیخ محمدفاضل در این باره می‌گوید:

در سال ۱۳۳۰-۱۳۲۹ش برای ادامه تحصیل مجدداً به نجف بازگشتم. برای تهیه حجره به مدرسه مرحوم یزدی مراجعه کردم که مدرسه بسیار ممتازی بود و علمای بزرگی به آن جا رفت و آمد داشتند. طلبه‌های آن جا معمولاً از طلاب درس خوان و باسواد بودند. مدیر مدرسه شخصی به نام سید محمدباقر یزدی، یکی از نوادگان واقف مرحوم بود. ایشان مدیری سخت‌گیر بود و به هر کس حجره نمی‌داد. معروف بود که می‌گفتند: حاج آقا باقر مدرسه را برای طلبه‌ها نمی‌خواهد؛ بلکه طلبه‌ها را برای مدرسه می‌خواهد. نظارت در آن جا بسیار دقیق بود. من هم برای گرفتن حجره به این مدرسه و هم‌چنین مدیر آن جا مراجعه کردم.

در آن جا بعضی از دوستان از من درباره انتخاب مدرسه سؤال کردند؛ گفتم: مدرسه مرحوم یزدی و حاج آقا باقر. تا اسم حاج آقا باقر را شنیدند گفتند: منتظر او نباش؛ جواب او منفی است. او به تو حجره نمی‌دهد. از طرفی چون سن من هم زیاد نبود و پانزده، شانزده ساله بودم آنها احتمال می‌دادند که به من حجره ندهد. اما وقتی مراجعه کردم، برخلاف انتظار با جواب مثبت حاج آقا باقر مواجه شدم و او به من اتاق داد و خطاب به من گفت: من فقط به یک انگیزه به تو اتاق می‌دهم؛ آن هم برخورد خوب پدرت با ما بود. زمانی که پدرت در این جا حجره داشت و



مدرسه آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی. نجف اشرف



مدتی در این مدرسه ساکن بود، وقتی احساس کرد که دیگر به حجره نیاز ندارد، آمد اعلام کرد و تحویل داد و گفت: اگر کس دیگری نیاز دارد، حجره را به او بدهید و من به همین خاطر حجره در اختیار تو قرار می‌دهم.^{۱۲}

محقق توانا مرحوم آقای علی دوانی به نقل از یکی از علمای نجف، ساکن تهران که در مدرسه سید ساکن بوده می‌نویسد: مرحوم حاج آقا باقر طباطبایی، متولی مدرسه سید در نجف، گاهی طلبه‌ها را نصیحت می‌کرد و می‌گفت: چرا این همه اصرار به داشتن اتاق خوب و حجره نورگیر مدرسه دارید و هر اتاق و حجره‌ای که به شما می‌دهیم راضی نیستید؟! بعد اضافه می‌کرد و می‌گفت: وقتی حاج شیخ عباس قمی در نجف بود، در حجره‌ای بسیار کوچک و تاریک و زیرپله‌های طبقه دوم این مدرسه سکونت داشت و در همان جای تنگ و تاریک «غایة القصوی» را در ترجمه «عروة الوثقی» نوشت. هر بار از آن مرحوم می‌خواستیم حجره‌اش را عوض کند و یک حجره بهتر و بزرگ‌تر برگزیند، می‌گفت: نه همین جا کفاف کار مرا می‌کند و به راحتی می‌توانم به کارم ادامه بدهم. چرا اتاق دیگری را که سایر طلاب احتیاج به آن دارند، اشغال بکنم؟ با همه اصرار و خواهش ما برای تعویض حجره، او هرگز نپذیرفت و در همان جا به سر برد و مشغول کارش بود.^{۱۳}

در بهمن ماه سال ۱۳۸۸ در سفری که هیئت تحریریه مجله «فرهنگ زیارت» به عتبات عالیات داشت، از این مدرسه بازدید به عمل آمد. وقتی به مدرسه مراجعه کردیم، با درب بسته آن مواجه شدیم. پس از اصرار بر ورود، فردی از پشت درب را باز کرد. پس از سلام و تعارف، چون فهمید زائر هستیم و از ایران آمده‌ایم، اجازه داد و داخل مدرسه شدیم. هنگام ورود معلوم شد در حال تغییرات و بازسازی اساسی هستند. معماران، بناها و کارگران مشغول کار بودند. داخل حیاط مدرسه و اطراف ستون‌ها را حفاری کرده و بتون‌ریزی می‌کردند. لحظاتی با آنان صحبت کردیم. از طبقه اول و دوم مدرسه و داخل حجرات که بسیار کوچک و یک نفری بودند دیدن کردیم. چون از تولیت، طلاب و خادم مدرسه خبری

وقتی حاج شیخ عباس قمی در نجف بود، در حجره‌ای بسیار کوچک و تاریک و زیرپله‌های طبقه دوم این مدرسه سکونت داشت و در همان جای تنگ و تاریک «غایة القصوی» را در ترجمه «عروة الوثقی» نوشت. هر بار از آن مرحوم می‌خواستیم حجره‌اش را عوض کند و یک حجره بهتر و بزرگ‌تر برگزیند، می‌گفت: نه همین جا کفاف کار مرا می‌کند و به راحتی می‌توانم به کارم ادامه بدهم.



مدرسه آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی - نجف اشرف

نبود و آقایان حاضر هم چندان اطلاعی از اوضاع و تاریخ مدرسه نداشتند، همین قدر می‌گفتند که این تعمیرات و بازسازی‌ها زیر نظر دفتر آیت‌الله سیستانی انجام می‌گیرد. خداحافظی کردیم و از درب فرعی که به منزل حضرت امام خمینی منتهی می‌شد، خارج شدیم.

پی‌نوشت

۱. جعفر الدجیلی، موسوعة النجف الاشرف، ج ۶، ص ۳۹۸.

۲. سید محمد کاظم یزدی، کامل سلمان الجبوری، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲.

۳. همان، ص ۴۲۸ و آل باقر محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۴. موسوعة النجف الاشرف، ج ۶، ص ۴۲۹.

۵. خاطرات حاج شیخ محمدافضل استرآبادی، ص ۲۸.

۶. خاطرات سید میرزا حسینی شیرازی، ص ۳۸.

۷. به نقل از خادم مدرسه.

۸. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۴۷.

۹. جمعی از نویسندگان، گلشن ابرار، ج ۸، ص ۳۹۸.

۱۰. همان، ص ۴۵۹.

۱۱. مفاخر اسلام، همان، ص ۵۱.

۱۲. خاطرات حاج شیخ محمد فاضل استرآبادی، ص ۸۵.

۱۳. مفاخر اسلام، ج ۱۱، بخش اول، ص ۵۱.